

تفسیر سورہ

انشقاق

سیمای سوره انشقاق

این سوره بیست و پنج آیه دارد و در مکه نازل شده است. نام سوره برگرفته از آیه اول و به معنای شکافته شدن است. همانند دیگر سوره‌های مکی، محور مباحث این سوره، موضوع معاد و قیامت است.

از هم پاشیدن نظام موجود هستی و به هم خوردن نظم زمین و آسمان، خبر از برپاشدن قیامت و برقرار شدن نظامی دیگر در عالم می‌دهد. تلاش و کوشش انسان، در قیامت به بار می‌نشیند و کارنامه عمل پاکان و ناپاکان به دست آنان داده می‌شود تا بر اساس آن به پاداش یا کیفر برسند و این سنت پروردگار در طول تاریخ است و همه بر آن اساس محاسبه می‌شوند. در روایات آمده است، تلاوت همراه با تدبیر آیات این سوره، انسان را از اینکه نامه عملش به دست چپش داده شود، حفظ کرده و درامان می‌دارد.^(۱)

۱. تفسیر نورالثقلین.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿۱﴾ إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ ﴿۲﴾ وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿۳﴾ وَإِذَا
الْأَرْضُ مُدَّتْ ﴿۴﴾ وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ ﴿۵﴾ وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ

آنگاه که آسمان شکافته شود. و پروردگارش را فرمان برد که چنین
سزاوار است. و آنگاه که زمین هموار شود. و آنچه در آن است بیرون
اندازد و خالی گردد. و به فرمان پروردگارش گوش سپرد که چنین سزد.

نکته‌ها:

- «انشقاق» به معنای شکافته شدن است. حضرت علی علیه السلام فرمودند: «تشق السماء من
المجرة»^(۱) یعنی آسمان از طریق کهکشان از هم گسیخته شود.
- «أَذْنَتْ» از «أَذُن» به معنای حرف شنوی و «حُقَّتْ» یعنی شایسته و سزاوار و حَقُّش این بود.
- در قیامت آنچه در دل زمین است، از مردگان و گنج‌ها و... به بیرون پرتاب می‌شود. چنانکه
در سوره زلزال می‌فرماید: «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا...»

پیام‌ها:

- ۱- در آستانه قیامت، آسمان‌های استوار و محکم «سبعاً شداداً»^(۲) شکافته
می‌شوند. «إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ»
- ۲- هستی گوش به فرمان و تسلیم خداوند است. «أَذْنَتْ لِرَبِّهَا» (این جمله درباره
آسمان و زمین هر دو آمده است.)

۱. تفسیر در المنثور.

۲. نیا، ۱۲.

۳- طبیعت نوعی شعور دارد که فرمان‌پذیر خداوند است. ﴿اذنت لربها﴾
 ۴- تسلیم خدا شدن، تنها تسلیم شدنی است که شایسته و سزاوار است. ﴿حَقَّتْ﴾
 ۵- در آستانه قیامت، زمین چنان دگرگون می‌شود که تمام ناهمواری‌های آن از میان رفته و سطحی گسترده و هموار می‌شود. ﴿اِذَا الْاَرْضُ مَدَّتْ﴾

﴿۶﴾ يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ ﴿۷﴾ فَأَمَّا
 مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ﴿۸﴾ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا
 ﴿۹﴾ وَ يَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا ﴿۱۰﴾ وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ
 وَرَاءَ ظَهْرِهِ ﴿۱۱﴾ فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا ﴿۱۲﴾ وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا
 ﴿۱۳﴾ إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا ﴿۱۴﴾ إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ
 ﴿۱۵﴾ بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا

هان ای انسان! تو به سوی پروردگارت تلاش بسیاری داری و سرانجام به لقای او خواهی رسید. پس هر کس کارنامه‌اش به دست راستش داده شود، به زودی و به آسانی به حساب او رسیدگی خواهد شد، و شادمان به سوی خانواده‌اش (یا همفکرانش) باز می‌گردد. و هر کس نامه‌اش از پشت سر (و به دست چپ) او داده شود، پس زود فریاد فغان بر خواهد آورد، و داخل دوزخ خواهد شد. همانا او (در دنیا) در میان خانواده‌اش شادمان بود. او گمان می‌کرد که هرگز باز نمی‌گردد. چرا (باز خواهد گشت) و پروردگارش به او بیناست.

نکته‌ها:

- کلمه «کَدَح» هم به معنای تلاش و کوشش آمده و هم به معنای آسیب وارد کردن، یعنی انسان به سوی پروردگارش پیش می‌رود ولی رفتنی همراه با رنج و تعب که گویا به خود آسیب و خدشه وارد می‌کند.
- در حدیث می‌خوانیم: هر کس سه خصلت را دارا باشد، خداوند حساب او را آسان قرار

می‌دهد و با رحمت خود، او را به بهشت وارد می‌سازد: به آن کس که محروم‌ش کرده، عطا کند؛ با آنکه قطع رابطه کرده، صله رحم می‌کند و از آن که به او ظلم کرده، درمی‌گذرد. «تعطی من حرمك تصل من قطعك و تعفو عن ظلمك»^(۱)

□ در آیه نهم و سیزدهم، سخن از شادی و سرور در نزد خانواده است، یکی منفی که مورد انتقاد است و یکی مثبت که پاداش نیکوکاران است. آری، ثمره سرور مستانه و غافلانه در دنیا، دوزخ است و ثمره ایمان و تقوی در دنیا، سرور در میان بستگان در قیامت است. □ از حضرت علی علیه السلام درباره آیه‌ی «یَنْقَلِبُ اِلٰی اَهْلِهِ مُسْرورًا» سؤال شد. فرمودند: کسانی که در دنیا اهل و عیال انسان بهشتی بودند، اگر مؤمن باشند در آخرت نیز اهل او خواهند بود.

پیام‌ها:

- ۱- انسان در حرکت به سوی خداست. «یا ایها الانسان انك کادح الی ربک» (چنانکه در جای دیگر می‌فرماید: «اَنَا لِلّٰهِ وَاَنَا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ»^(۲))
- ۲- انسان در مسیر حرکت به سوی خدا، با مشکلات بی‌شماری روبروست. «انک کادح الی ربک»
- ۳- خداوند در تاریخ و جامعه قوانینی ثابت قرار داده است که همه از آن تبعیت می‌کنند؛ نه می‌توانند توقف کنند، نه به عقب بازگردند و یا به سویی دیگر روند. «کادح الی ربک کدحاً»
- ۴- پایان حرکت انسان، رسیدن به خداوند است. «فَلَاقِيهِ»
- ۵- اعمال انسان در دنیا ثبت شده و در قیامت، به صورتی مکتوب و مستند به او ارائه می‌شود. «اَوْقَى کِتَابَهُ»
- ۶- در قیامت، حساب مردم گوناگون است و خوبان حسابی آسان دارند. «حَسَاباً یَسِيراً» (و تبه‌کاران حسابی سخت. «حَسَاباً شَدِیداً»^(۳))
- ۷- به شادی‌های دنیوی مغرور نشوید که می‌گذرد، به شادی‌های پایدار قیامت،

۱. تفسیر نورالثقلین.

۲. بقره، ۱۵۶.

۳. طلاق، ۸.

فکر کنید. (اگر امروز به خاطر فرمان الهی از بعضی لذت‌های خانوادگی صرف نظر کردیم و برای جهاد یا تحصیل علم یا خدمت از خانواده دور شدیم، در آینده جبران خواهد شد.) «يَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مُسْرُورًا»^۸ - گرچه مردم در آغاز از یکدیگر فرار می‌کنند: «يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ...»^(۱) اما آن که حسابش آسان و جایگاهش بهشت باشد، به سوی خانواده‌اش باز می‌گردد. «يَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مُسْرُورًا»

﴿١٦﴾ فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ ﴿١٧﴾ وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ ﴿١٨﴾ وَالْقَمَرِ

إِذَا اتَّسَقَ ﴿١٩﴾ لَتَرْكَبَنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ ﴿٢٠﴾ فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

﴿٢١﴾ وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ

به شفق، (سرخی بعد از غروب) سوگند می‌خورم، و به شب و آنچه (زیر پرده سیاهی خود) جمع می‌کند سوگند، و به ماه آنگاه که کامل گردد سوگند. که شما همواره از حالی به حال دیگر درآیید. پس آنان را چه شده که ایمان نمی‌آورند؟ و آنگاه که قرآن بر آنان خوانده شود، سجده نمی‌کنند؟

نکته‌ها:

■ «يَحُور» از «حور» به معنای رجوع و بازگشت است و مراد از آن بازگشت به حیات اخروی در قیامت می‌باشد.

■ «طَبَق» به معنای تطبیق و انطباق است، یعنی قرار گرفتن دو چیز روی هم و به حالت نیز گفته می‌شود، چون روح انسان با آن حالت منطبق شده است. پس «لَتَرْكَبَنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ» یعنی شما بر حالتی و خصلتی سوار می‌شوید که مثل مرکبی شما را به سوی مقصد می‌برد.^(۲)

■ همان گونه که در آستانه غروب، سرخی نمودار می‌شود، سپس سیاهی شب آن را می‌پوشاند و آنگاه نور مهتاب بر تاریکی شب پرتو می‌افکند و این حالات یکی پس از

۱. عبس، ۳۴ - ۳۶.

۲. تفسیر راهنما.

دیگری می‌آید، شما انسان‌ها نیز یکی پس از دیگری آمده و دارای حالاتی گوناگون در مسیر تکامل به سوی خدا هستید.

- مراد از «لَتَرْكِبَنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ»، مراحل مختلف زندگی است که انسان در مسیر حرکتش به سوی پروردگار آنها را طی می‌کند. حیات دنیوی، حیات برزخی و حیات اخروی.^(۱)
- ممکن است مراد از «لَتَرْكِبَنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ» این باشد که سرنوشت شما، طبق سرنوشت اقوام گذشته است. اگر مثل آنان انکار کنید، هلاک می‌شوید و اگر مثل آنان ایمان آورید، نجات می‌یابید. حدیثی نیز این معنا را تأیید می‌کند.
- مراد از سجده در آیه «إِذَا قَرَأَ الْقُرْآنَ لَا يَسْجُدُونَ»، خضوع و تصدیق و ایمان است و گر نه باید هر آیه‌ای که تلاوت شود مردم به سجده افتند.

پیام‌ها:

- ۱- منشأ بدبختی انسان، غفلت از معاد یا انکار آن است. «ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ»
- ۲- منکران معاد بر اساس گمان انکار می‌کنند نه علم. «ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ»
- ۳- ریشه خوشی‌های مستانه، غفلت از آخرت است. «كَانَ فِي أَهْلِهِ مُسْرُورًا... ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ»
- ۴- عقل و احتیاط حکم می‌کند که اگر یقین به قیامت ندارید، لااقل به وقوع آن گمان داشته باشید، «يُظَنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ»^(۲) نه آنکه به عدم وقوع قیامت گمان برید که منشأ هلاکت است. «ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ»
- ۵- نتیجه قرائت قرآن باید عبودیت و تسلیم باشد. «إِذَا قَرَأَ... الْقُرْآنَ لَا يَسْجُدُونَ»

﴿۲۲﴾ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يَكْذِبُونَ ﴿۲۳﴾ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ

﴿۲۴﴾ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿۲۵﴾ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا

الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

۱. تفسیر المیزان.

۲. بقره، ۴۶.

بلکه کافران (آیات الهی را) تکذیب می‌کنند. و خدا به آنچه در دل دارند آگاه‌تر است. پس ایشان را به عذابی دردناک بشارت ده. مگر کسانی که ایمان آورند و کارهای شایسته انجام دادند که برای آنان پاداشی است ابدی و قطع نشدنی (و بی منت).

نکته‌ها:

□ «یوعون» از «وِعاء» به معنای ظرف است و مراد از آن در اینجا، ظرف دل است و آنچه انسان در دل دارد. «بَشْر» از بشارت، به خبری گویند که به واسطه آن، در چهره و بَشْره انسان تغییری صورت گیرد و معمولاً به خبرهای خوش گفته می‌شود. گاهی برای تحقیر نیز می‌آید، چنانکه می‌گویند: «خبر خوش فلانی مرگ است»

پیام‌ها:

- ۱- کافران، نه تنها در برابر آیات قرآن تسلیم نمی‌شوند، بلکه آن را تکذیب می‌کنند. ﴿لایسجدون بل... یکذبون﴾
- ۲- کسی که خط کفر را پذیرفت، به هر مسئله‌ای که رسید تکذیب می‌کند. ﴿بل الذین کفروا یکذبون﴾
- ۳- خداوند، به اسرار درونی انسان احاطه دارد. ﴿والله اعلم بما یوعون﴾
- ۴- گاهی انسان در قالب انکار و تکذیب، اهداف دیگری را دنبال می‌کند که خداوند به آن آگاه است. ﴿یکذبون والله اعلم بما یوعون﴾
- ۵- گاهی انسان به خاطر حفظ منافعش، در ظاهر تکذیب می‌کند ولی در دل آن را می‌پسندد. ﴿یکذبون والله اعلم بما یوعون﴾
- ۶- گرچه مبنای کفر و پاداش عمل است، اما ارزش عمل به هدف و انگیزه آن است که خداوند به آنها آگاه است. ﴿والله اعلم بما یوعون﴾
- ۷- لازمه ایمان، انجام هر عمل است که صالح و شایسته باشد، در هر زمینه‌ای که باشد. ﴿آمنوا و عملوا الصالحات﴾ (عبادت، یکی از مصادیق عمل صالح است).
- ۸- ایمان از عمل جدا نیست و لازم ملزوم یکدیگرند. ﴿آمنوا و عملوا الصالحات﴾
- ۹- پاداش‌های الهی گسسته نمی‌شود و همراه با منت نیست. ﴿لهم اجر غیر ممنون﴾